

نوع مقاله: پژوهشی

تغییر راهبردهای روسیه در خاورمیانه پس‌اداعش

مهرداد رضاپور^{1*}، احمد شوهانی²

تاریخ دریافت: 1399/04/26؛ تاریخ پذیرش: 1400/03/27

چکیده

راهبردهای روسیه پس از شوروی، به دلیل چالش‌های داخلی آن، دچار افول شده بود و این حالت تا دهه نخست قرن بیست و یکم ادامه داشت، اما با رویداد بهار عربی و ظهور داعش در خاورمیانه، فرصت دوباره‌ای برای نفوذ روسیه در منطقه و احیای جایگاه بین‌المللی آن فراهم شد. هدف این مقاله، که با رهیافت واقع‌گرایی نئوکلاسیک و به روش تبیینی-تحلیلی انجام شده است، بررسی تغییرات راهبردی پارادایم سیاسی-امنیتی و اقتصادی روسیه در خاورمیانه پس‌اداعش است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که روسیه پس از یک دوره بازیابی توان داخلی و حل مسائل درون‌دولتی، به تدریج مناسبات خود را با منطقه خاورمیانه گسترش داده است. بحران سوریه و عراق در دهه دوم قرن بیست و یکم، راه نفوذ بیشتر نظامی-امنیتی، سیاسی، و اقتصادی را برای روس‌ها باز کرد و در رقابت با غربی‌ها، آن‌ها پایگاه و جایگاه خود را در خاورمیانه گسترش دادند؛ به گونه‌ای که بار دیگر خود را به عنوان قدرت بزرگی در عرصه بین‌المللی مطرح کردند. پس از داعش، روسیه با گسترش روابط سیاسی-اقتصادی با کشورهای عربی و غیرعربی خاورمیانه، ائتلاف‌های مختلف، پیمان‌های امنیتی-مستشاری-نظامی، و توافق‌های سیاسی و تجاری، نفوذ خود را گسترده‌تر کرد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهند که روسیه پس‌اداعش در صدد ابقای نیروها و تسلیحات و ایجاد پایگاه‌های نظامی بوده و قصد نفوذ پایدارتر و دائمی‌تری را در رقابت با غربی‌ها و هژمونی آمریکا برای کسب منافع سیاسی-امنیتی و اقتصادی بیشتر در خاورمیانه دارد.

واژگان کلیدی: پارادایم سیاسی-امنیتی، اقتصاد، روسیه، داعش، خاورمیانه

1. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور مرکز تهران غرب، (نویسنده مسئول)
meghdad0111@yahoo.com
2. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه پیام نور - تهران - ایران
Ahmadshohani51@pnu.ac.ir

Strategic Changes in Russia's Politics, Security and Economy in the Post-ISIS Middle East

Mehrdad Rezapour¹, Ahmad Shouhani²

Abstract

After Soviet, the Russia's strategies had declined due to its internal challenges, and continued until the first decade of 21 century, but with occurring Arab Spring and appearance of Daesh in Middle East, there was another opportunity for Russian influence in the region and Its international position Revival. In this article, which was conducted with approach of neoclassical realism and with an explanatory-analytical method, the aim was to study strategic changes of Russian political-security and economic paradigm in post-daesh Middle East. findings showed that after a period of recovering internal power and solving inner governmental problems, the Russia has gradually expanded its relations with Middle East. The crisis in Syria and Iraq in second decade of 21 century opened the door for more military-security, political and economic influence for Russians, and in competition with West, they expanded their base and position in Middle East, as they reasserted themselves as a great power in international arena. after Daesh, Russia extended its influence more by expanding political-economic relations with Arab and non-Arab countries in Middle East and made Different coalitions and Security-advisory-military contracts and political- commercial agreements. The results showed that post-daesh Russia seeks to maintain its forces and weapons to establish military bases, and has desire more stable influence in competition with West and US hegemony for greater political-security and economic benefits in Middle East.

Keywords: Political-security paradigm, Economy, Russia, Daeshism, Middle East

1. M.A. in Political Science- Payame Noor University

2. Assistant Professor Political Science-International Relations, Payam Noor University

مقدمه

منطقه خاورمیانه، همواره یکی از پرتنش‌ترین مناطق جهان بوده و قدرت‌های بزرگ، پیوسته برای نفوذ بیشتر در آن تلاش کرده‌اند. روسیه، یکی از کشورهای است که همیشه حضورش در منطقه، بحث‌برانگیز بوده است. از گذشته‌های دور تاکنون، عوامل گوناگونی مانند دسترسی به آب‌های گرم، منابع انرژی، منفعت اقتصادی، تمایل به گسترش سرزمین، ایجاد ائتلاف در رقابت با غرب، سلطه و استثمار، و... در تمایل به نفوذ روس‌ها در خاورمیانه نقش داشته‌اند.

در طول جنگ سرد، ناسازگاری شوروی به‌عنوان ضدامپریالیسم و پایین‌تر بودن سطح سلاح‌های نظامی آن نسبت به غرب، دلیل اصلی فاصله گرفتن کشورهای خاورمیانه از این کشور بود. پس از فروپاشی شوروی، سیاست‌های روسیه جدید، مبتنی بر برقراری روابط با اسرائیل و حمایت محتاطانه از آن بود، چون ساکنان بسیاری از جمهوری‌های جنوب-جنوب غربی روسیه، مسلمان بودند و سیاست‌های خارجی یکجانبه روسیه در خاورمیانه، خطر گسترش تروریسم را افزایش می‌داد؛ بنابراین، روسیه با وجود ایجاد روابط با اسرائیل و حمایت از آن، شرکای مهمی در میان کشورهای مسلمان، از جمله ترکیه، ایران، سوریه داشت. با بروز بهار عربی از سال 2010 و به‌ویژه با ظهور داعش در عراق و سوریه، روند گسترش نفوذ روس‌ها در منطقه خاورمیانه تغییر کرد. اکنون، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که «راهبرد سیاسی-امنیتی و اقتصادی روسیه در دوره داعش-پساداعش خاورمیانه چه تغییراتی داشته و موضع‌گیری و سیاست‌های روس‌ها در منطقه، چگونه رقم خواهد خورد؟»

روش پژوهش حاضر، از نوع تبیینی-تحلیلی است. این پژوهش در پی یافتن روابط علی-معلولی بین متغیرهای گوناگون شکل‌گیری داعش و ایجاد فرصت برای نفوذ و ورود کشور روسیه به‌عنوان یک قدرت بزرگ جهانی به خاورمیانه است. مسکو در سیاست خود پس از جنگ جهانی دوم، رویکردهای متفاوتی را در پیش گرفته است. البته سیاست‌های روس‌ها، تنها وابسته به ذات و ماهیت خود آن‌ها نبوده و طرف‌های مقابل نیز در شکل‌گیری چنین رویکردهایی نقش داشته‌اند. داعش، راهبردها و موضع‌گیری‌های روسیه را تا حدودی تغییر داد و با ظهور خود، راه نفوذ روسیه را به خاورمیانه (هدفی که روسیه پس از فروپاشی شوروی همواره در پی آن بوده است) هموار کرد.

اتلافی که با مشارکت کشورهایمانند روسیه، ایران، عراق، و سوریه و با ورود حزب‌الله لبنان شکل گرفت، زمینه رهبری و نفوذ روس‌ها را فراهم کرد. روسیه با حمله هوایی به مواضع داعش، پیاده‌سازی تجهیزات و نیروهای نظامی در سوریه، و ایجاد پایگاه‌های نظامی هوایی و دریایی در این کشور، افزون بر حمایت از حکومت اسد و حفظ منافع خود، حضور نظامی خود را در منطقه تثبیت کرد و گسترش داد (Babazadeh Joudi & Eslami, 2015: 1-2). روسیه به خوبی می‌دانست که اگر سوریه با تسلط داعش سقوط کند، دکتترین سیاست خارجی اش که تا سال 2020 تعریف شده بود، متزلزل خواهد شد، رقبای غربی خواهند توانست به‌طور کامل بر منطقه تسلط یابند، حکومت اسد، به‌عنوان متحد اصلی روسیه در منطقه از بین می‌رود، و همچنین، جایگاه و اعتبار بین‌المللی روسیه، خدشه‌دار خواهد شد؛ بنابراین، با حمله هوایی به مواضع داعش و ورود به سوریه، تلاش کرد تا ضمن تقویت جایگاه بین‌المللی و پایان دادن به انزوای جهانی خود، در مسائل دیگری مانند بحران اکرین و تحریم‌های غربی‌ها نیز دست بالا را داشته باشد و نیز نخستین بار پس از فروپاشی شوروی، تجهیزات و نیروهای نظامی خود را در بیرون از مرزهایش به‌کار گیرد. برخی نیز بر این نظرند که حضور روسیه در رویارویی با داعش و حتی استقرار پایگاه‌های نظامی-هوایی و دریایی در سوریه و سواحل مدیترانه، نتیجه اتحاد و ائتلاف جدید شیعی-ارتدکس، تهران-مسکو، برای رویارویی با غرب و ائتلاف‌های آن‌ها با کشورهای عرب منطقه و ایجاد پیمانی برای مرکزیت جدید قدرت منطقه‌ای و جهانی به خواست ایران و روسیه شکل گرفته و نفوذ روس‌ها را در خاورمیانه، افزایش داده است (Mansoori & Javdani, 2018: 406).

1. چارچوب نظری و پیشینه پژوهش

نظریه‌های گوناگون روابط بین‌الملل همواره در تلاش برای توجیه ابعاد و زوایای سیاست‌های بین‌المللی بوده‌اند و شاید گزینش تنها یک روش برای توضیح رویدادهای بین‌المللی، پاسخ‌گوی همه مسائل در عرصه بین‌الملل نباشد، اما با دقت در رفتار سیاسی روسیه در گذر زمان، این‌گونه به نظر می‌رسد که رهیافت واقع‌گرایی، ابزار مناسب‌تری برای توجیه روابط بین‌المللی این کشور است. در اینجا با تأکید بیشتر بر نظریه واقع‌گرایی نئوکلاسیک، سیاست خارجی روسیه را پس از ظهور داعش در خاورمیانه بررسی کرده‌ایم.

واقع‌گرایی نئوکلاسیک، با نام گیدتون رز^۱ همراه است. این نظریه برای تبیین سیاست خارجی و فراتر از آن، روابط بین‌الملل، از نگرش‌های واقع‌گرایی بهره می‌برد، اما برخلاف آن، تنها به ساختار نظام توجه ندارد و برداشت‌های ذهنی و ساختار درونی دولت‌ها را نیز در این حوزه دخیل می‌داند (Mansoori & Javdani Moghaddam, 2018: 387). واقع‌گرایی نئوکلاسیک، مجموعه گسترده‌ای از نیروهای جهان واقعی، مانند ظرفیت دولت‌ها، فشار گروه‌های ذی‌نفع، فرهنگ راهبردی، و شخصیت رهبری را شناسایی کرده است که به‌عنوان متغیرهای مداخله‌گر بین الزامات سیستمی و رفتار سیاست خارجی دولت‌ها عمل می‌کنند. واقع‌گرایان نئوکلاسیک سه نوع گوناگون از عوامل علی را به‌عنوان متغیرهای مداخله‌گر شناسایی کرده‌اند که عبارتند از: عوامل تعدیل‌کننده، عوامل مکمل، و علل اصلی (Götz, 2021: 1). این نظریه دو هشدار اساسی را مطرح می‌کند: واکنش‌های دولت به محرک‌های بین‌المللی سراسر نیستند و گام و شکل واکنش یک دولت به عناصر اجتماعی و سیاست‌گذاران آن (که کمربند انتقال بین رویدادهای بین‌المللی و رفتار سیاست خارجی هستند)، وابسته است (Rosa, Benati, 2020: 4). واقع‌گرایی نئوکلاسیک، سه سازوکار مداخله‌گر را که نقش میانجی را بین محرک‌های بین‌المللی و رفتارهای ملی ایفا می‌کنند، تجزیه و تحلیل کرده است: نخست، در سطح فردی، برداشت‌های بیرونی نخبگان سیاسی و تصمیم‌گیرندگان اصلی؛ دوم، در سطح داخلی، فرایند سیاست‌گذاری؛ و سوم، در سطح داخلی و فرایند عملیاتی کردن و اجرای سیاست‌ها (Ripsman, Taliaferro & Lobell: 2016).

بر پایه تقسیم‌بندی جک اسنایدر^۲، نظریه واقع‌گرایی نئوکلاسیک در دو سطح تهاجمی و تدافعی قابل بررسی است (Moshirzadeh, 2005: 129). در واقع‌گرایی تهاجمی، دولت‌ها به‌عنوان بازیگر اصلی عرصه بین‌المللی، سیاست‌های بین‌المللی را شکل می‌دهند و برون‌دادهای دولت‌های قدرتمند بر نظام بین‌المللی تأثیرگذار است و سیاست‌های بین‌الملل را صورت‌بندی می‌کند (Ghavam, 2005). اما در واقع‌گرایی تدافعی، امنیت و تهدید، مسئله‌ای مهم است که با توجه به آثارشی نظام بین‌المللی، امنیت یک دولت، مقوله‌ای حیاتی‌تر به‌شمار می‌آید و با پیشینه‌سازی قدرت، یا حداقل قدرت موردنیاز برای تأمین امنیت، ارتباط دارد. مهم‌ترین مفروض‌های واقع‌گرایی

1. Gideon Rose

2. Jack L. Snyder

تدافعی را امنیت، ظرفیت قدرت، برداشت‌های ذهنی نخبگان سیاسی و عرصه سیاست داخلی تشکیل می‌دهند (Moshirzadeh, 2005: 133-134).

با فروپاشی شوروی و تک‌قطبی شدن جهان، نفوذ روس‌ها در مناطقی مانند خاورمیانه کاهش یافت و این کشور به لحاظ سیاسی منزوی‌تر شد و در مقابل، آمریکا به گونه‌ای عمل‌گرایانه‌تر در خاورمیانه حضور یافت. روسیه بیشتر مناسبات خود را در خاورمیانه به دلایلی مانند وجود جمعیت مسلمان در نیمه جنوبی روسیه و قفقاز و نزدیکی به مناطق مسلمان‌نشین، فقدان دیوار جداکننده، احتمال انتقال رویکردهای رادیکالی-نظامی از خاورمیانه به روسیه، حضور مهاجران روسی-یهودی در اسرائیل، منابع غنی انرژی خاورمیانه و تأمین انرژی بخش‌های جنوبی روسیه از این منطقه، و اهمیت حضور و مداخلات نظامی آمریکا در خاورمیانه، برپایه منافع اقتصادی پیش برد (Trenin, 2005: 3-4). اما در سال‌های اخیر، روسیه با بازیابی نسبی توان داخلی، تمایل خود را به افزایش نقش در عرصه بین‌المللی، افزایش دامنه نفوذ، و حمایت از منافع ملی در مناطق گوناگون جهان نشان داده است؛ به گونه‌ای که همواره در آسیای مرکزی و خاورمیانه در راستای دفع خطر نفوذ غرب و نیز افزایش نفوذ خود گام برمی‌دارد.

تا پیش از ظهور داعش، نفوذ منطقه‌ای روسیه در خاورمیانه محدود بود، ولی با شکل‌گیری این گروه و احساس خطر روس‌ها، زمینه نفوذ بیشتر این کشور فراهم شد تا از وضعیت انفعال در عرصه بین‌المللی خارج شود و سعی کرد موقعیت عمل‌گرایانه‌تری در معادلات منطقه‌ای بین‌المللی به دست آورد. ورود آمریکا و ناتو به بحران سوریه می‌توانست برای همیشه روسیه را در حالت تدافعی و انزوا قرار دهد و سقوط نظام اسد به عنوان متحد روسیه، سبب از بین رفتن اعتبار بین‌المللی روس‌ها می‌شد؛ بنابراین، روسیه که حالت تدافعی در بحران سوریه را مغایر با منافع ملی خود می‌دانست، پا به میدان پرتنش خاورمیانه و تحولات پس از نابودی داعش نهاد (Mansoori & Javdani Moghaddam, 2018: 389).

زهرانی و فرجی لوحه سرا (1395) بر این نظرند که علایق ژئوپلیتیک روسیه، سبب شده است که این کشور، واکنش قابل توجهی در رویارویی با داعش از خود نشان دهد که سبب بروز عرصه نوینی از نزاع با آمریکا شده است (Zahrani & Faraji Lohehsara, 2016). روسیه در راستای سیاست‌های راهبردی خود، در پی ورود به سوریه بوده است تا از این طریق، علایق ژئواستراتژیک خود را در عرصه فراسرزمینی گسترش دهد.

کاوینگتون (2015) بر این نکته تأکید کرده است که روسیه در بحران سوریه در پی توازن قوا در برابر آمریکا، به‌عنوان یک بازیگر تعیین‌کننده بین‌المللی بوده و تلاش کرده است که اقدامات یکجانبه آمریکا و محور مخالفت با اسد را محدود کند.

گیلز¹ (2016) نیز بر این نظر است که روسیه، پدیده ظهور داعش در سوریه را به میدانی برای پیاده‌سازی سیاست‌های راهبردی خود تبدیل کرد و با سیاست خارجی عمل‌گرایانه جدید، برای گسترش و حفظ نفوذ خود در خاورمیانه تلاش کرد. روس‌ها سعی می‌کنند آرایش نبرد و نفوذ در منطقه را به نفع خودشان تمام کنند تا از بروز شرایطی مانند بحران لیبی و حضور و تأثیرگذاری آمریکا و ناتو بر آن، دوری کنند.

به‌هرحال، با وجود کم‌رنگ شدن ظاهری حضور روسیه در منطقه خاورمیانه، این کشور همواره در پی فرصتی بوده است تا بار دیگر نفوذ خود را در این منطقه گسترش دهد و جایگاه پیشین و حتی بیشتری را به دست آورد. به‌همین سبب، تلاش کرده است تا در جنگ ایران و عراق، جنگ عراق علیه کویت، و حتی کم‌وبیش در جریان بهار عربی حضور بیشتری داشته باشد. سرانجام، این انتظار روس‌ها با ظهور پدیده داعش در عراق و سوریه، به پایان رسید و آن‌ها در بحران جنگ در خاورمیانه که توسط اسلام‌گرایان افراطی و داعشی‌ها برپا شده بود، به‌گونه‌ای عمل‌گرایانه و واقعی وارد عرصه کارزار و نبرد شدند.

2. ظهور داعش و ساختار بندی سلولی

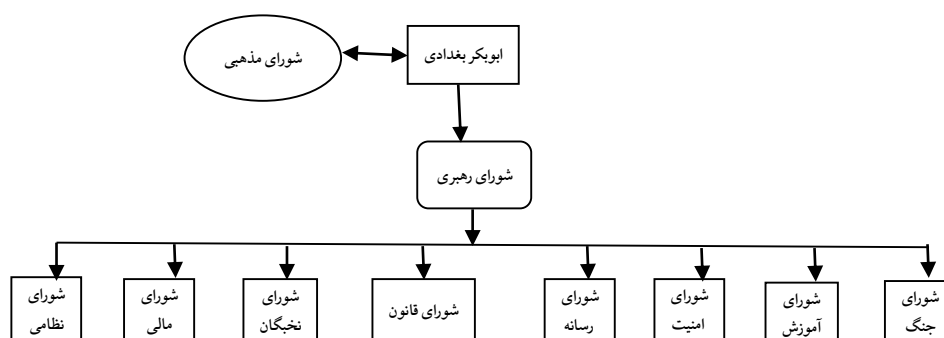
داعش با عنوان «دولت اسلامی عراق و سوریه»²، یک گروه تروریستی سلفی با ماهیت وهابیت یا گمراه³ (Bradley, 2015) و مدعی حمایت از دکتورین اسلام سنی است (Al-Ibrahim, 2014). این گروه، نخستین بار، پس از بروز درگیری‌های موسوم به بهار عربی در کشورهای عرب‌زبان، در منطقه‌ای بین عراق و سوریه ظاهر شد و خود را به‌عنوان اسلام سلفی رادیکال معرفی کرد. ساختار داعش، از طریق شوراهای داخلی آن اداره می‌شد. این گروه برای ایجاد ارتباطات، کمیته رسانه، برای

1. Giles

2. The Islamic State Of Iraq And The Levant (ISIL)

3. Heredox

گردآوری اطلاعات درباره دشمنان و محیط پیرامون، کمیته نخبگان، برای مسائل جنگی و طرح‌های حمله به سرزمین‌های جدید، کمیته نظامی، برای جذب مردان جنگجوی خارجی و استخدام افراد جدید، کمیته معاونت جنگ، برای بودجه‌بندی و مدیریت مالی، کمیته مالی، و برای اجرای قوانین شریعت و مسائل سیاسی و تعقیب و بررسی، کمیته‌های رهبری-امنیت و قانون را تشکیل داده بود. کمیته قانون، برای اجرای مجازات به کمیته امنیت گزارش می‌داد. اختصاص بودجه به بخش‌های گوناگون و حسابداری آن‌ها از مهم‌ترین امور مربوط به روابط راهبردی بود که قدرت نفوذ داعش به آن وابسته بود (The NATO Strat Com COE, 2015: 21).



شکل 1. ساختار سازمانی کلی گروه داعش

یکی از ویژگی‌های مهم داعش، استفاده از امکانات فضای مجازی و فناوری کامپیوتری برای اداره سرزمین زیر سلطه خود و نیز گسترش ایدئولوژی‌هایش در سرزمین‌های دیگر جهان در راستای جذب افراد مستعد از طریق اینترنت بود. داعش حتی می‌توانست اینترنت را در مقیاس بزرگ‌تر و با ایجاد یک لژیون رسانه‌ای بزرگ¹ مدیریت کند (Jawhar, 2016: 34). این گروه، با بهره‌گیری از امکانات گوناگون و آموزش‌های ویژه، اقدام به خشونت در عراق و سوریه کرد و سبب جنایت‌ها و ترورهای بی‌شماری در کشورهای دیگر نیز شد.

1. Massive Media Legion

3. نوزایی داعش و نقش روسیه در خاورمیانه

داعش، در پی بهار عربی و جابه‌جایی مقامات سنی و کرد لایق با افسران شیعه، اما نالایق، و سرکوب اعتراض‌های صلح‌آمیز سنی‌ها در عراق و سوریه ظهور کرد. این دوره، هم‌زمان با نزدیک شدن نوری‌المالکی به ایران و خروج آخرین سربازان آمریکایی در دسامبر 2011 بود (Connable, 2017: 12). داعش، بسیاری از مناطق سنی‌نشین، ایستگاه‌های پلیس و ارتش، و پالایشگاه‌های نفت را تصرف کرد. در سال 2014، سپاه پاسداران، با ادعای محافظت از شیعیان و به خطر افتادن موقعیت راهبردی ایران، حضور نظامی خود را در عراق گسترش داد (Connable. et al., 2017: 12-13). در این دوره، نیروهای آمریکایی، تازه از عراق خارج شده بودند. آمریکا که در سال 2014 برای مبارزه با تروریست‌های افراطی، با پیشمرگ‌های¹ کرد عراق متحد شده بود، از اوت 2016، همراه با حدود 77 کشور، از جمله انگلستان، فرانسه، آلمان، ایتالیا، و... که بیشتر آن‌ها کشورهای غربی بودند. ائتلاف گسترده‌ای را با عنوان «عملیات حل ذاتی¹» به منظور مقابله نظامی با داعش تشکیل داد و مسئولیت مدیریت نیروهای مشترک عملیات حل ذاتی² — که بیشتر مبتنی بر بمباران هوایی قرارگاه‌های داعش بود — را به عهده گرفت (Starr, 2016). راهبردهای دیگری مانند توقیف جریان مالی داعش، تدارک کمک بشردوستانه به عراق و سوریه، ارتباطات راهبردی‌ای مانند دیپلماسی عمومی، تبلیغات، و عملیات روانشناسانه نیز برای ضربه زدن به ایدئولوژی داعش در پیش گرفته شد (Claire, 2018).

در این دوره، حضور روس‌ها بسیار کم‌رنگ بود و تا اوایل سال 2016، خبری از حضور نظامی و گسترده آن‌ها نبود. در اواخر سال 2015، بین پنج تا هفت هزار نفر از رادیکال‌های مسلمان روسیه و نیز جهادی‌های قفقاز، چین، و داغستان، از القاعده جدا شدند و به داعش پیوستند (Popescu & Secrieru, 2018: 47). سردار قاسم سلیمانی با سفر به روسیه در ژوئیه 2015، پوتین و مقامات نظامی — امنیتی روسیه³ را برای دخالت در سوریه به منظور حمایت از اسد متقاعد کرد. سفر سلیمانی به مسکو، گام نخست دخالت نظامی روسیه در سوریه و نیز تغییر شکل جنگ در آن بود و سبب

1. Operation Inherent Resolve

2. Combined Joint Task Force – Operation Inherent Resolve

3. High-Ranking Russian Military And Security Officials

شکل‌گیری دوباره اتحاد جدید ایران و روسیه در حمایت از اسد شد. در ابتدا، جنگنده‌های روسی، حمله هوایی و نیروهای ویژه سپاه قدس، عملیات زمینی علیه تروریست‌ها را آغاز کردند (Sharafedin, 2015) که سرآغاز نفوذ مستقیم و بعدها حضور روسیه در خاورمیانه بود. پیش از آن، روسیه حضور مستقیم نظامی در سوریه نداشت و تا اواخر سال 2015 در مورد مسائل خاورمیانه، با احتیاط رفتار می‌کرد.

پس از فروپاشی شوروی، روسیه فاقد توان لازم برای مداخله در مناطق گوناگون جهان بود و با توجه به هژمونی آمریکا و به دلیل شکست سیاست‌هایش در جلب کشورهای خاورمیانه، و همچنین قدرت نظامی پایین‌تر، نفوذ بسیار کمتری داشت و بیشتر تلاش می‌کرد از طریق تعاملات اقتصادی بر تحولات منطقه تأثیرگذار باشد. بخش عمده فعالیت‌های روسیه در مورد سوریه و خاورمیانه، به وتوی قطعنامه‌های غرب علیه اسد در کمیته شورای امنیت سازمان ملل¹ (Gutterman, 2012) و فروش اسلحه به ایران، محدود می‌شد. اما با ظهور داعش و بروز بحران در منطقه، به سبب آشفتگی‌های پیچیده کشورهای، گروه‌های مختلفی به بهانه نبرد با افراطی‌گری یا به سوریه و عراق گذاشتند. روسیه نیز به بهانه ورود افراطی‌گری به جنوب غرب کشورش و مبارزه با منشأ تروریسم در خاورمیانه و نیز ایجاد ائتلاف علیه داعش، فرصت را غنیمت شمرد و وارد مداخله مستقیم در خاورمیانه شد تا ضمن ایجاد جای پای محکمی برای خود، اسد را به عنوان متحد مهم منطقه‌ای روسیه و به منظور تأمین منافع ملی و نفوذ بیشتر، بر مسند قدرت نگه دارد. روسیه می‌داند که غربی‌ها در صدد کنار زدن اسد هستند و اگر چنین می‌شد، نفوذ خود در خاورمیانه را به طور کامل از دست می‌داد.

4. راهبرد حضور مستقیم روسیه در سوریه و عراق

نیروهای نظامی روسیه از اواخر سال 2015 در سوریه حضور یافته‌اند. برخی، سفر سلیمانی به مسکو و مذاکره وی با مقامات روسیه و عده‌ای دیگر، درخواست اسد از روسیه برای حمله به گروه‌های جهادی را علت حضور نظامی روسیه دانسته‌اند (McDonnell, Hennigan & Bulos,)

1. UN Security Council

2015)، اما نکته جالب این است که روسیه از نخستین روزهای عملیات در سوریه، شروع به بمباران مواضع گروه‌های شورشی دیگر ضد اسد کرده و حتی مواضع بسیاری از نیروهای مورد حمایت ترکیه و آمریکا در سوریه را بمباران کرده است (Popescu & Secrieru, 2018: 48). چنین اقدامی، این پرسش را به ذهن می‌رساند که اگر هدف روسیه، مبارزه با داعشی‌ها نبوده، پس این کشور با چه هدفی وارد صحنه نبرد مستقیم در سوریه شده است؟

در ابتدای ظهور داعش، تنها ارتش عراق و نیروهای عراقی مورد حمایت ایران با این گروه درگیر شدند، اما با گسترش عمق فاجعه و ناتوانی نیروهای داخلی در مقابله با داعش منسجم و ساختارمند، سپاه پاسداران به طور مستقیم وارد عمل شد و هرچند در ابتدا به موفقیت‌هایی دست یافت، اما با افزایش مخالفت‌ها با دولت مرکزی سوریه دیگر نمی‌توانست از این گرداب ایجاد شده، خارج شود؛ بنابراین، از روسیه کمک خواست. روسیه تنها در پی مبارزه با داعش نبود، زیرا با در هم شکستن شورش‌های دیگر، مقتدرانه از اسد حمایت می‌کرد. عملیات نظامی روسیه، نه تنها سبب توقف روند تغییر رژیم در سوریه شد، بلکه رژیم اسد را نیز حفظ کرد (Popescu & Secrieru, 2018: 48). روسیه نمی‌خواست شورشی‌ها، اختیار کشور را به دست بگیرند و همچنین، تمایل چندانی به مبارزه با تروریسم نداشت، زیرا به طور مستقیم، مواضع مخالفان دولت اسد را هدف قرار می‌داد و به ندرت مواضع داعش را بمباران می‌کرد.

با فروپاشی شوروی، نفوذ روس‌ها در خاورمیانه کم شد و نفوذ آمریکا افزایش یافت، اما با ورود ائتلاف غربی‌ها به سرپرستی آمریکا، روسیه نیز وارد منطقه شد و نفوذ خود را افزایش داد. در واقع، منطقه خاورمیانه، به بهانه مبارزه با تروریسم، به عرصه‌ای برای رقابت نظامی و راهبردی روسیه و آمریکا تبدیل شد. روسیه، خواستار دولتی عمل‌گرا، یکپارچه، و قوی در سوریه بود. پوتین در یک مصاحبه تلویزیونی در این باره می‌گوید: «ما تلاش می‌کنیم از ایجاد خلأ قدرت در سوریه جلوگیری کنیم، چون با از بین رفتن نهادهای دولت، تروریست‌ها آن را اشغال خواهند کرد» (Popescu & Secrieru, 2018: 48). روسیه و ایران از اسد (Humud & Nikitin, 2019: 15) و غرب و آمریکا از گروه‌های مخالف وی، از جمله کردها، حمایت می‌کردند (Itani & Rosenblatt, 2018: 4). آمریکا نه تنها به اسد کمک نکرد، بلکه حامیان اسد، ایران، و روسیه را تحریم کرد (Humud & Nikitin, 2019: 8).

روسیه می‌دانست که اگر هم‌پیمانانش، یعنی اسد را - که غربی‌ها در پی برکناری او هستند - از دست بدهد، موقعیت راهبردی خود را به‌عنوان یک قدرت بزرگ و مهم در عرصه بین‌المللی از دست خواهد داد و پایگاه رقبای غربی‌اش، قوی‌تر و مستحکم‌تر می‌شود؛ به‌گونه‌ای که برگشت دوباره به خاورمیانه و تأمین منافع سیاسی-اقتصادی روسیه سخت‌تر می‌شود. همچنین، روسیه با حضور در سوریه می‌توانست چالش‌هایی را که بر سر اکراین و کریمه با غربی‌ها داشت، منحرف کرده و توجه آن‌ها را به خاورمیانه بکشاند و نیز تلاش آمریکا برای منزوی‌تر کردن روسیه را خنثی کند (Popescu & Secrieru, 2018: 48-49).

عده‌ای نیز بر این نظرند که روسیه به جنگ با افراطی‌ها در سوریه رفته است تا افراط‌گری‌های مسلمانان جنوب-جنوب غرب روسیه را خنثی کند (Agata, 2017: 29). اما به‌نظر می‌رسد، این هدف، جزء انگیزه‌های اصلی حضور نظامی روسیه در خاورمیانه نیست، چون اولاً روسیه از مدت‌ها پیش با جمهوری‌های جنوب-جنوب غربی خود در کشاکش بوده است. در واقع، این سرزمین‌ها از ابتدای شکل‌گیری روسیه، جزء این کشور نبودند و روس‌ها آن‌ها را از بدنه کشور دیگری - که ابتدا جزئی از پرشیا و سپس، در اختیار حکومت‌های ایرانی یا خلیفه‌های اسلامی بودند - طبق عهدنامه‌های گوناگون تحمیلی، از جمله عهدنامه گلستان¹، ترکمانچای² و... جدا کرده بود (Kuchins & Mammadov, 2013; Rashidvash, 2012, 246-261). بنابراین، به‌دلیل تضاد فرهنگی و رسوم، با روسیه و مردمانی که خود را روس می‌نامیدند، همخوانی نداشتند و پیش از رخدادهای خاورمیانه نیز کشمکش‌های سرزمینی‌ای در روسیه وجود داشت. دوم اینکه اسلام‌گرایان تندرو، دهه‌ها پیش از ظهور داعش و وقوع بهار عربی در خاورمیانه، در نیمه‌های جنوبی روسیه حضور داشتند؛ بنابراین، روسیه همیشه با این مسائل درگیر بوده است و داعش نمی‌توانست دلیل اصلی حضور نظامی این کشور در خاورمیانه باشد. سوم اینکه، روسیه در اوایل ظهور و نیرو گرفتن داعش و تروریسم در خاورمیانه، دخالتی نکرد و حضور روس‌ها در منطقه، پس از پخش شایعاتی مبنی بر سفر سلیمانی به روسیه و درخواست اسد از روس‌ها، پررنگ‌تر شد؛ و چهارم اینکه، روسیه در پی اهداف بزرگ‌تری، مانند منافع سیاسی-اقتصادی فراوان در خاورمیانه و در بین اعراب بود و همچنین، در این منطقه، شرکایی مانند ترکیه و ایران داشت؛ از این رو،

1. Treaty Of Gulistan

2. Treaty Of Turkmenchay

نمی‌توانست درخواست (احتمالی) ایران یا سوریه مبنی بر حضور در منطقه را رد کند؛ به‌ویژه اینکه بی‌تردید در ورای آن، منافع اقتصادی فراوانی مطرح بود؛ به‌گونه‌ای که به‌نظر بسیاری، مسئله دریای کاسپین در قراردادهای دوره شوروی و پسا‌شوروی با ایران، در همین دوره و در فرایند همکاری‌های ایران و روسیه و با رضایت جمهوری اسلامی حل شد که منافع زیادی برای روسیه داشت (Roberts, 2018; Coffey, 2018).

اگرچه اعراب متمایل به غرب، از حضور روسیه خوشحال نبودند، ولی روسیه در پی نفوذ، به‌منظور کسب امتیازهای سیاسی-اقتصادی بود و حضور در سوریه می‌توانست کشورهای عربی را به مصالحه با روس‌ها وادار کند و نیز زمینه فروش تسلیحات نظامی به کشورهای خاورمیانه و اعراب را فراهم می‌کرد (Agata, 2017: 28). حضور روسیه در خاورمیانه، برای جمهوری اسلامی نیز بی‌فایده نبود. اگرچه روس‌ها بر بازار اقتصادی و طرح‌های نفت و گاز ایران تسلط یافتند و شروع به فروش سلاح‌های خود به ایران کردند، اما حضور آن‌ها می‌توانست سبب کاهش فشارهای جامعه بین‌المللی و کشورهای عربی به جمهوری اسلامی شود، زیرا ایران، افزون‌بر سوریه و عراق، در یمن نیز با عربستان درگیر جنگ نیابتی بود و جوامع بین‌المللی و کشورهای عربی به حضور ایران در مناطق گوناگون واکنش نشان می‌دادند (Brockwehl, 2018: 10).

افزون‌براین، بخش زیادی از درآمدهای نفتی عربستان، صرف خرید تسلیحات نظامی و هزینه‌های جنگ در یمن می‌شد و یکی از کاندیداهای فروش تسلیحات نظامی، روسیه بود. این کشور، برای برقراری مناسبات اقتصادی و فروش تسلیحات نظامی با اعراب رایزنی می‌کرد و در پی ایجاد فضایی برای نفوذ در عربستان در رقابت با آمریکا بود. همچنین، می‌دانست که اگر بتواند در عربستان نفوذ بیشتری داشته باشد، بسیاری از کشورهای عربی دیگر که چشم به عملکرد عربستان دوخته‌اند، به‌سوی روسیه متمایل می‌شوند که پیامد آن، ایجاد خاورمیانه روسیه‌ای خواهد بود؛ برای مثال، برخی وب‌سایت‌ها و آژانس‌های خبری، از امضای قراردادهای تسلیحاتی بین روسیه و عربستان (Carroll, 2017) و امارات (Semenov, 2017) خبر داده‌اند که با مخالفت‌های غرب و به‌ویژه آمریکا روبه‌رو شد، زیرا کشورهای منطقه خلیج فارس، شرکای اقتصادی مهمی برای آن‌ها بودند و آمریکا و غرب، سالانه میلیاردها دلار تسلیحات نظامی به اعراب می‌فروختند؛ بنابراین، حضور روسیه در منطقه، تهدیدی جدی برای منافع غربی‌ها به‌شمار می‌آمد. در مقابل، روسیه نیز خواستار پایداری حکومت اسد بود.

کمک‌های دریایی در بندر طرطوس¹ و پایگاه هوایی در لاذقیه² تأییدی بود بر اینکه روسیه در پی ایفای نقش اصلی در فرایند سیاسی سوریه و به‌نوعی در رقابت با آمریکا است (Brockwehl, 2018: 10).

هرچند روسیه با توجه به مبارزه با رادیکالیسم-تروریسم پا به خاورمیانه گذاشت و حتی با فرستادن نیروی نظامی و تسلیحاتی، هزینه‌های سنگینی را متقبل شد، اما همه این کشمکش‌ها و هزینه‌های نظامی، به سیاست‌های نفوذ روس‌ها و حفظ منافع اقتصادی آن‌ها مربوط می‌شود. روسیه با آگاهی از اینکه بحران سوریه دیر یا زود به پایان خواهد رسید، در اندیشه پایداری و تأمین منافع خود در درازمدت بود و با حمایت از نیروهای نظامی سوریه، در پی استحکام جای پای خود بود تا بتواند نفوذش را افزایش دهد و در رقابت با بازیگران دیگر دخیل در سوریه، ماهی‌های بیشتری را به نفع خود صید کند و تغییرات همکاری-معاملاتی را در کشورهای همسایه سوریه رقم بزند.

روسیه در دوران شوروی-پساشوروی همیشه در صدد نفوذ در خاورمیانه برای بقای تجارت و سیاست خود بود؛ اگرچه گاهی به دلیل کشمکش‌های درونی و با وجود رقبای خارجی قدرتمندی چون آمریکا، تضعیف شده بود، اما همواره در پی نفوذ هرچه بیشتر در این منطقه و منفعت خویش بود؛ حتی اگر این نفوذ در دوره‌هایی، همانند بحران سوریه، برای این کشور هزینه‌ای در بر داشت، ولی بی‌تردید، منفعت ناشی از نفوذ در منطقه بیش از هزینه‌های آن بود.

5. حضور روسیه پس از شکست داعش در خاورمیانه

همان‌گونه که اشاره شد، روسیه به‌بهانه مبارزه با داعش و تروریسم، به‌طور مستقیم در خاورمیانه حضور و نفوذ یافت، اما از همان ابتدا، درگیری اندکی با داعش داشت و بیشتر، مواضع گروه‌های ضداسد را بمباران کرد و نشان داد که برای نگه داشتن اسد وارد میدان شده است و اسد نیز به کلید نفوذ بیشتر این کشور در خاورمیانه تبدیل شد.

5-1. دگرگونی مواضع سیاسی

پیش از ظهور داعش، سه سند مهم، که نشان‌دهنده اهداف سیاست خارجی روسیه بود، نوشته شد: سند تدبیر امنیت ملی فدراسیون روسیه (2000)، سند تدبیر سیاست خارجی فدراسیون روسیه

1. Tartus

2. Air Base In Latakia

(2008)، و راهبرد امنیت ملی فدراسیون روسیه تا سال 2020. برپایه سند نخست، روسیه برای تأمین امنیت خود، بر تهدیدهایی متمرکز می‌شد که منافعش را در خاورمیانه هدف قرار می‌دادند و بیشتر، موضع تدافعی داشت. در آن دوران، کشورهای غربی، روسیه را در قضیه کوزوو تحقیر کرده بودند و با لغو توافق «گورچرنومردین»، تلاش‌های این کشور برای از سرگیری روابط با خاورمیانه جدی‌تر شد؛ به‌گونه‌ای که در برخی محافل روسی و خاورمیانه‌ای، سخن از «اتحاد راهبردی» به میان آمد.

سند دوم سیاست خارجی روسیه، مبتنی بر تعقیب منافع ملی این کشور برپایه یک خط‌مشی آشکار، قابل‌پیش‌بینی، و عمل‌گرایانه بود. قدرت برتر بودن، تأثیرگذاری بر جهان، و عضویت دائم در شورای امنیت، مسکو را ناگزیر می‌کند که در مسائل مهم جهانی دخالت کند. براین اساس، روسیه خواهان گسترش بیش‌ازپیش روابط دو و چندجانبه با ترکیه، مصر، الجزایر، ایران، عربستان سعودی، سوریه، لیبی، و کشورهای مهم دیگر منطقه شد. افزون‌براین، به‌عنوان یکی از چهار کشور میانجی در مناقشه اعراب و اسرائیل، باید تلاش خود را در راستای پیشبرد روند صلح خاورمیانه به‌کار گیرد. همچنین، در سند سیاست خارجی فدراسیون روسیه، بر روابط مسکو با جهان اسلام نیز بسیار تأکید شده است (Kolobov & Kornilov, 2011: 22-23).

سند سوم، به چالش‌های جهانی شدن برای روسیه، و راهبرد امنیت ملی این کشور برای بازیابی ظرفیت‌های روسیه از طریق یک سیاست عمل‌گرایانه در خاورمیانه اشاره دارد (Kolobov & Kornilov, 2011: 20-21). روسیه تلاش می‌کند، بدون درگیری و تقابل با غرب، به‌ویژه آمریکا، و با محور قرار دادن منافع ملی، رویکرد سیاست خارجی خود را به‌سوی گسترش مناسبات با کشورهای آمریکای لاتین، آفریقا، و به‌ویژه خاورمیانه تغییر دهد؛ بنابراین، با توجه به منابع نفت و گاز خاورمیانه، لازم بود که حضور و نفوذ خود را در آنجا افزایش دهد؛ منطقه‌ای که همچنان در کانون توجه قدرت‌های بزرگ قرار دارد و عرصه‌ای حیاتی برای بازیگران قدرتمند در فرایند گذار نظام بین‌الملل به یک نظام چندقطبی به‌شمار می‌آید.

روسیه پس از نابودی داعش و در رویارویی با رقبای غربی، از رژیم اسد دفاع می‌کرد تا بتواند متحد خود و در نتیجه، پایداری نفوذش در خاورمیانه را حفظ کند؛ سیاست روس‌ها در خاورمیانه، اهداف گوناگونی را دنبال می‌کرد: (1) نفوذ سیاسی؛ (2) نگهداشت نفوذ منطقه‌ای؛ (3) توسعه

همکاری‌های اقتصادی؛ 4) جلوگیری از افراطی‌گری برای برآورده کردن اهداف سیاسی-اقتصادی و حفظ وضع موجود (9: Brockwehl, 2018).

تصمیم روسیه برای فرستادن نیرو به سوریه، نه تنها به منظور خنثی‌سازی تلاش‌های غرب در راستای برکنار کردن اسد، بلکه به سبب نگرانی از گسترش بی‌ثباتی و اسلام‌گرایی افراطی بود؛ بنابراین، هدف از استقرار نیروهای نظامی در سوریه در اواخر سال 2015، انتخاب میان گزینه بد و بدتر، به ویژه با توجه به تجربه دگرگونی‌های عراق و لیبی بود. از سال 2016، سیاست روسیه از سیاستی انفعالی به سیاستی کنشی و فعال برای مدیریت رخدادها تغییر کرد. نخستین آزمون بزرگ برای این کشور، در لیبی بود؛ جایی که حمایت سیاسی و کمک نظامی خود را به ژنرال خلیفه حفتر، یکی از بانفوذترین جنگ‌سالاران لیبی، ارائه کرد. کرملین به او برای کارشکنی در اجرای توافق‌نامه سال 2015 لیبی، زیر نظر سازمان ملل متحد و با هدف اجرای فرایندهای آشتی، کمک کرد. حفتر، کنترل بخش شرقی لیبی را در اختیار دارد و در حال جنگ علیه دولت وفاق ملی لیبی است. حمایت مسکو از حفتر، با فعالیت‌های این کشور در سوریه همسویی داشت و آشکارا خطوط قرمز روسیه را برای اثرگذاری بر پویایی‌های سیاسی داخلی در خاورمیانه، به ویژه در کشورهایی که به لحاظ سیاسی و جغرافیایی، نزدیکی بیشتری با فضای به‌جامانده از شوروی سابق داشتند، نشان داد (Asgarian, 2019: 5).

روسیه، ضمن تبدیل شدن به بازیگر اصلی در سوریه، توازن مواضع خود را در خاورمیانه تحکیم کند. میخائیل اشتورمر، استاد آلمانی علوم سیاسی، در مقاله‌ای در نشریه «دی‌ولت» می‌گوید، پوتین، آرزوی دیرینه «بسیاری از نظامیان باهوش در طول تاریخ، یعنی پیروزی بدون جنگ را تحقق بخشید» (Bratersky, 2019). موضع عمل‌گرایانه کرملین در مورد خاورمیانه، نه تنها تحکیم روابط با ایران، بلکه با عربستان را نیز به همراه داشت. همچنین، رویارویی گسترده ایران و اسرائیل، مانع روابط سیاسی تنگاتنگ روسیه با تل‌آویو نشد؛ بنابراین، پس از نابودی داعش، روسیه به تحکیم روابط با کشورهای عرب و شمال آفریقا روی آورد و حتی از تقویت روابط با کشورهای غیرعرب، همانند ترکیه و اسرائیل، نیز استقبال کرد. این درحالی است که در دوره حضور داعش، بسیاری از کشورهای عربی و غربی، حضور روسیه را برنمی‌تابیدند.

2-5. تغییرات در ابعاد اقتصادی

در سند دوم سیاست خارجی روسیه (2008)، بر تلاش این کشور برای ایجاد ثبات در خاورمیانه و شمال آفریقا تأکید شد و همچنین به مدیترانه بزرگ به عنوان کانون مناطقی مانند خاورمیانه، دریای سیاه، قفقاز، و دریای خزر، اشاره شد که روسیه قصد دارد روابط خود را در این مناطق، به سوی صلح، ثبات، و همسایگی خوب هدایت کند و منافع اقتصادی اش را با توجه به مسیرهای انتقال انرژی، ارتقا دهد (FPCRIF, 2008).

روابط اقتصادی روسیه با کشورهای خاورمیانه، از سال 2008 رو به بهبود نهاد. تجارت خارجی روسیه و ترکیه در سال 2008 به 33/8 میلیارد دلار افزایش یافت. حجم معاملات تجاری روسیه و اسرائیل، در سال 2008 نسبت به سال 2009 کاهش پیدا کرد، اما در سال 2010 با رشد 70 درصدی همراه بود (Moscow Time, 16/02/2010). روابط اقتصادی روسیه و سوریه در دوران داعش، بیشتر مبتنی بر فروش سلاح بود. در عراق نیز افزون بر فروش تسلیحات نظامی، قراردادهای صنعتی، اقتصادی، و نفتی بین دو کشور منعقد شد که ارزش آن‌ها در اوت 2002، حدود 40 تا 60 میلیارد دلار برآورد شده است (Dannreuther, 2004: 37)، اما پس از حمله غربی‌ها به عراق، معاملات اقتصادی دو کشور رو به افول نهاد و غربی‌ها بیشترین بهره و منافع اقتصادی را از منابع این کشور می‌بردند.

روابط اقتصادی روسیه و عربستان — که تا دهه 1990 در سطح بسیار پایینی بود — از سال 2008 به این سو افزایش یافت و گزارش‌های زیادی در باره تمایل ریاض به خرید جنگ‌افزارهای روسی منتشر شد، اما افزایش تولید و صدور نفت روسیه می‌توانست جایگاه عربستان در بازارهای جهانی انرژی را متزلزل کند (Katz, 2010: 12).

روسیه در نخستین گام پس از کاسته شدن خشونت در خاورمیانه و افول گروه‌های تروریستی، مناسبات اقتصادی خود را در این منطقه گسترش داد و اقدام به فروش تجهیزات نظامی و بستن قراردادهای گوناگون در حوزه انرژی کرد. فروش موشک‌های S-400 به کشورهای منطقه، از جمله ترکیه و سوریه و نیز صحبت‌های مطرح شده برای فروش آن‌ها به کشورهای عربی مانند عربستان سعودی و امارات، قطر، الجزیره، و... نشانه‌های قوی نفوذ و نمایش قدرت این کشور را به غربی‌ها رساند (Marcus, 2015; Macias, 2018).

این قراردادهای اقتصادی، در راستای جذب سران دولت‌های منطقه و وابستگی هرچه بیشتر آن‌ها به روسیه و کاهش نفوذ و قدرت غرب و آمریکا بود. در حالی که روسیه مدت‌ها پیش اعلان کرد که داعش در عراق و سوریه شکست نظامی خورده است (Yeni, 2018)، در منطقه ماند و خواهد ماند.

پس از سقوط داعش، روسیه در حوزه اقتصادی، با بیشتر کشورهای عربی، روابط خوبی داشته است. این کشور در تلاش‌های اقتصادی خود بر حوزه‌هایی متمرکز شد که در آن‌ها از مزایای بازار برخوردار است (انرژی هسته‌ای، نفت و گاز، پتروشیمی، فضا، تسلیحات، و غلات). در همین حال، تجارت روس‌ها در خاورمیانه بر مبنای شعار «قیمت چینی برای کیفیت اروپایی» قرار گرفت. قیمت اندک و اعتبار، دلایل اصلی علاقه کشورهای خاورمیانه به فناوری هسته‌ای روسیه است (Asgarian, 2019: 5). به طور خاص، فروش تسلیحات و جنگ‌افزارهای روسی به کشورهای عربی، برای مسکو اهمیت بسیار زیادی دارد؛ از این رو، کرملین از تغییر رهبران جهان عرب و در پی آن، دگرگونی سیاست‌های حاکم بر این کشورها نگران است و منافع اقتصادی خود را به شدت در خطر می‌بیند؛ به عنوان نمونه، روابط روسیه و تونس در دوران بن‌علی، از ابعاد دوستانه و همکاری‌های نزدیکی برخوردار بود. در واقع، روابط دو کشور این فرصت را برای مقامات تونس و روسیه فراهم کرد که زمینه‌های جدیدی برای تعمیق روابط دو جانبه پیدا کنند. روس‌ها به تونس، همچون دروازه‌ای برای ورود به آفریقا می‌نگریستند، اما اینک معلوم نیست که آینده روابط دو کشور، چه سمت و سویی پیدا خواهد کرد. همچنین، روابط روسیه و مصر نیز در دوران مبارک، بسیار گسترده بود و مصری‌ها همواره یکی از مشتریان جنگ‌افزارهای روسی بودند؛ از این رو، روس‌ها چندان از دگرگونی‌های خاورمیانه خوشنود نبودند و سعی می‌کردند، حضور نظامی خود را برای تأمین منافع ملی و اقتصادی و نیز نفوذ بیشتر در این منطقه، گسترش دهند.

3-5. تغییر مواضع نظامی

روسیه پس از شوروی، بسیاری از اعتبارات خود را در نتیجه شکست در مقابل امپریالیسم از دست داده بود و کشورهای غربی جای آن را در مناطق گوناگون تحت نفوذ، اشغال کرده بودند. اما پس از یک دوره غیبت و کاهش قدرت طولانی، درگیری‌های خاورمیانه، به ویژه در سوریه که وضعیت بسیار پیچیده‌تری نسبت به عراق داشت، فرصتی شد تا روسیه دوباره در خاورمیانه دخالت نظامی کند و

سیاست نظامی گری در سوریه، خود به پشتوانه‌ای برای رقابت اقتصادی با غرب تبدیل شد. در دوران پساداعش، روسیه با احداث پایگاه‌های نظامی در سوریه، نیروهای نظامی خود را در این کشور مستقر کرد؛ به گونه‌ای که ناتو، ساخت پایگاه نیروی دریایی در مدیترانه در سواحل سوریه را تأیید کرده است (Haaretz, 2018). همچنین، در شهر لاذقیه، اقدام به تأسیس پایگاه هوایی با نیروهای نظامی فراوان کرد و پیش از آن نیز تجهیزات نظامی - هوایی خود را در شهر طرطوس مستقر کرده بود. این فعالیت‌ها سبب شد که آمریکا درباره ساخت پایگاه‌های نظامی در سوریه، به روسیه هشدار دهد و همچنین، به یونان و بلغارستان فشار آورد تا با بستن حریم هوایی¹ خود به روی روسیه، مانع اجرای طرح‌های این کشور برای محاصره سوریه شوند (Titov, 2018). به ظاهر این گونه به نظر می‌رسید که روسیه می‌خواهد خود را به عنوان یک قدرت بزرگ در خاورمیانه مطرح کند، اما این ظاهر قضیه بود، چون روسیه، قدرت کوچکی در جهان نبود که لازم باشد، خود را به عنوان قدرتی بزرگ معرفی کند؛ این کشور در جهان امروز، یک قدرت بزرگ است.

روسیه نه تنها پس از کاهش چشمگیر قدرت و نفوذ داعش و شکست آن، اقدام به تخلیه نیروهای خود نکرد، بلکه با فعالیت‌هایی مانند نگهداشتن نیروهای نظامی، ساخت پایگاه‌های هوایی در سوریه، و نیز پایگاه‌های دریایی در غرب سوریه و دریای مدیترانه، عمق نفوذ راهبردی خود را گسترش داد. البته نباید نقش کشورهای دیگر را در نفوذ بیشتر روسیه نادیده گرفت؛ کشورهای مانند ترکیه و ایران که چندین بار با ائتلاف‌های گوناگون بر سر منافع متفاوت در سوریه و نفوذ به این کشور و ساختار کشوری-لشکری آن، سبب نفوذ بیشتر روسیه شدند و به نوعی بر حمایت مستقیم یا ضمنی از حضور روس‌ها مهر تأیید زدند. همچنین، دولت درمانده اسد که ابتدا منتظر دریافت کمک از غرب بود، با ورود غرب و آمریکا به مبارزه به نفع مخالفان خود (به ویژه پس از خشونت مرگبار اسد در مقابل تظاهرات مسالمت‌آمیز سال 2010) روبه‌رو شد (Slacman, 2011). این اقدام سبب شد که اسد، برای نگه داشتن دولت خود، خواستار کمک و همکاری روسیه شود و به نوعی خود را وابسته و وام‌دار آن کند؛ این در حالی است که پس از ائتلاف‌های مختلف سه کشور روسیه، ایران، و ترکیه، حوادث مختلفی رخ داد. ترکیه، از نیروهای حمایت می‌کرد که در حال مبارزه با کردهای

1. Airspace

سوریه بودند و خود نیز در مناطق کردنشین سوریه، به‌طور مستقیم اقدام به سرکوب کردها کرد (McCowan, 2017: 4-24). نیروهای موردحمایت ایران (افزون بر حمایت از ارتش سوریه)، شروع به سرکوب نیروهای کرد مخالف جمهوری اسلامی و گروه‌های ضداسد کردند و نگاهی نیز به مرزهای غربی سوریه داشتند و در نتیجه، درگیری‌های گوناگونی با اسرائیل رخ داد که هنوز هم ادامه دارد (Hincks, 2019). در این میان، روسیه نیز برای ساخت پایگاه‌های مختلف در سوریه و تثبیت موقعیت سیاسی-نظامی خود اقدام کرد و با پیمان‌های اقتصادی و فروش تسلیحات نظامی به کشورهای منطقه، در تلاش برای تثبیت نفوذ بیشتر است.

خلاصه‌دگرگونی‌هایی که در پارادایم سیاسی، نظامی-امنیتی، و اقتصادی روسیه در خاورمیانه پیش و پس از پدیده داعش رخ داد، در جدول شماره (1) ارائه شده است.

جدول شماره (1). دگرگونی‌های سیاسی، نظامی-امنیتی، و اقتصادی روسیه در خاورمیانه پیش و پس از داعش

پارادایم دوره	سیاسی	امنیتی-نظامی	اقتصادی
پیش از داعش	- نفوذ سیاسی اندک - حمایت بیشتر از اسرائیل - مناسبات کمتر با کشورهای عربی - روابط سیاسی با ترکیه و ایران	- عدم حضور گسترده در خاورمیانه	- مناسبات تجاری و معاملات تسلیحاتی کمتر با برخی کشورهای منطقه
دوران حضور داعش	- ائتلاف با ایران، ترکیه، و سوریه - برنامه‌ریزی برای گسترش مناسبات	- حضور نظامی-مستشاری کمتر - مداخلات هوایی بیشتر	- گسترش مناسبات اقتصادی و رایزنی با کشورهای عربی بیشتر برای معاملات تجاری-تسلیحاتی
پس‌داعش	- استحکام ائتلاف‌ها و توافقی‌های سیاسی با ترکیه، ایران، و سوریه - گسترش روابط سیاسی با کشورهای عرب منطقه و شمال آفریقا - گسترش روابط سیاسی با اسرائیل - رایزنی‌های سیاسی با غرب در مورد خاورمیانه - حضور پررنگ‌تر در تحولات خاورمیانه و تصمیم‌های اتخاذشده	- افزایش حضور نظامی - ایجاد پایگاه‌های نظامی دریایی، هوایی، و زمینی - انعقاد قراردادهای نظامی - حضور نظامی بیشتر در شمال آفریقا (تونس و لیبی)	- قراردادهای تجاری فروش تسلیحات نظامی مانند S400 و S300 - رایزنی‌های تجاری با عربستان، امارات، قطر، الجزیره، و... - گسترش مناسبات اقتصادی در حوزه انرژی هسته‌ای، نفت و گاز، پتروشیمی، فضا، تسلیحات، و غلات با کشورهای خاورمیانه

نتیجه‌گیری

کشور روسیه پس از فروپاشی شوروی، دچار بحران‌های زیادی شد؛ به‌گونه‌ای که تا سال 2002، بیشتر در چارچوب واقع‌گرایی تدافعی، در پی دفع تهدیدها و بالا بردن توان امنیتی خود بود و نفوذ گذشته دوران شوروی را در خاورمیانه از دست داد. این کشور تا سال 2008، تعاملات سیاسی اندکی با کشورهای عرب منطقه و حضور نظامی — مستشاری بسیار محدودی در خاورمیانه داشت، اما پس از یک دوره کشمکش‌های درون‌دولتی و بازیابی توان داخلی خود، با برنامه‌هایی که در قالب سند‌های سه‌گانه برای سیاست خارجی خود تنظیم کرد، کم‌کم نفوذش را در حوزه‌های مختلف افزایش داد. رخداد بهار عربی در منطقه خلیج فارس و شمال آفریقا و در پی آن، پدیده ظهور داعش در سوریه و عراق، این فرصت دوباره را برای افزایش مداخلات و نفوذ سیاسی، نظامی، و اقتصادی بیشتر روسیه فراهم کرد. در ابتدای بحران سوریه، مداخلات نظامی — هوایی این کشور مشهود بود، اما با گذشت زمان، نیروهای نظامی و تسلیحاتی خود را به‌طور مستقیم روانه سوریه کرد؛ به‌گونه‌ای که امروزه، تأمین‌کننده امنیت مرز بین عراق، سوریه، و ترکیه است. روسیه، در دوره پساداعش این نفوذ سیاسی — نظامی و اقتصادی خود را تا شمال آفریقا نیز گسترش داده است. همچنین، مناسبات تجاری — تسلیحاتی و تعاملات اقتصادی خود را با کشورهای عرب خلیج فارس به‌گونه‌ای چشمگیر افزایش داده و حتی در مسائل به‌ظاهر کوچک منطقه‌ای خاورمیانه، بازیگر مهمی به‌شمار می‌آید و به رقیب قدرتمندی برای غرب در این منطقه تبدیل شده است. داعش، بهانه‌ای شد تا روسیه فرصت را مغتنم شمرده و با حضور نظامی در منطقه و بمباران هوایی در سوریه، نفوذ خود را روز به روز افزایش دهد. روسیه با نفوذ دوباره در خاورمیانه، اهداف گوناگونی از جمله مبارزه با رادیکالیسم اسلامی، کسب منفعت اقتصادی با بستن قرارداد با کشورهای نفت‌خیز منطقه، فروش تسلیحات نظامی روسی، و سرانجام، حضور و نفوذ پایدارتر در منطقه در رقابت با آمریکا و غربی‌ها را دنبال می‌کند؛ بنابراین، با توجه جلوه دادن حضور نظامی خود، نفوذ سیاسی — امنیتی‌اش را نیز در منطقه افزایش داده است. همچنین با رایزنی و بستن قراردادهای فروش تسلیحات نظامی، هسته‌ای، نفت و گاز، و... با کشورهای عربی منطقه مانند عربستان، امارات، قطر و...، و ایجاد پایگاه‌های نظامی، دریایی، و هوایی در غرب مدیترانه، توانسته است عمق نفوذ خود را به درون خاورمیانه و نزدیک اروپا گسترش دهد و سبب کاهش نفوذ آمریکا در منطقه شود؛ شرایطی که به نوعی جنگ راهبرد حضور و نفوذ تبدیل شده است.

منابع

- Agata, W. B. (2017). Syria in Russia's Foreign Policy in the 21st Century, *Teka Kom. Politol. Stos. Międzynar.* – OL PAN, 12/1, 27–40.
- Al-Ibrahim, F. (22 August 2014). "Why ISIS is a threat to Saudi Arabia: Wahhabism's deferred promise". *Al Akhbar English*.
- Asgarian, H.; (2019). Russian Middle East Policy, *Abrar Institute For Contemporary International Studies And Research*. (in Persian).
- Babazadeh Joudi, A., & Eslami, S. (2015), Russia and the United States' approach to ISIS, *International Conference On New Approaches In The Humanities*. (in Persian).
- Bratersky, A., (2019). Russia's Victory Without War in the Middle East. *Source: Gaztaro*. (in Persian).
- Bradley, M., (1 February 2015). "Islamic State Affiliate Takes Root Amid Libya's Chaos". *The Wall Street Journal*.
- Brockwehl, A. (2018). *Syria and beyond: managing russian ambitions in the middle east*. Woodrow Wilson School of Public and International Affairs, Princeton University. p. 10
- Connable, B., Natasha L., & Kimberly J. (2017). *Beating the islamic state: selecting a new strategy for iraq and syria*. Published by the RAND Corporation, Santa Monica, Calif. p. 12
- Claire, M. (2018). ISIS/Daesh: what now for the military campaign in Iraq and Syria?. *House Of Commons Library, Commons Library Briefing*. 10 July
- Carla E. H., & Mary Beth D. N. (2019). Armed conflict in syria: overview and U.S. response. *USA- Congressional Research Service*. p. 15.
- Coffey, L. (2018). The Caspian Sea agreement serves as an important regional agreement and a pillar of security, why are some Iranians unhappy?. Retrived from: <https://www.trtworld.com/opinion/some-iranians-are-not-happy-with-the-caspian-agreement-why--19773>. Director of the Foreign Policy Center at The Heritage Foundation.
- Carroll, O. (2017). Russia and Saudi Arabia 'sign \$3bn arms deal' as King Salman visit shows how much relations have changed. Retrived from: <https://www.independent.co.uk/news/world/europe/russia-king-salman-visit-saudi-arabia-moscow-vladimir-putin-a7985161.html>, independent agency. 5 October.
- Covington, S.R. (2015). "The Meaning of Russia's Campaign in Syria", Belfer Center for Science and International Affairs. *Harvard Kennedy School*, Accessed on: 28 March/ 2016.
- Dannreuther, R. (2004). "Russia and the Middle East," in the Middle East's Relations with Asia and Russia. Edited by Hannah Carter and Anoshirvan Ehteshami. *Routledge Curzon*, London.

- FPCR (The Foreign Policy Concept of the Russian Federation). (12 July 2008). President of Russia. www.kremlin.ru.
- Ghavam, A. A. (2005). *International relations: theories and approaches*. Tehran: Samt Publisher. (in Persian)
- Giles, K. (2016). "Russia's 'New' Tools for Confronting the West Continuity and Innovation in Moscow's Exercise of Power". *The Royal Institute Of International Affairs, Chatham House*, London. Retrived from: www.chathamhouse.org. Accessed on: 18 Jun.
- Götz, E. (2021). Neoclassical Realist Theories, Intervening Variables, and Paradigmatic Boundaries. *Foreign Policy Analysis*. 17(2).
- Gutterman, S. (2012). Russia won't back U.N. call for Syria's Assad to go. Retrived from: <https://www.reuters.com/article/us-syria-russia/russia-wont-back-u-n-call-for-syrias-assad-to-go-idUSTRE80Q0I620120127>.
- Haaretz News. (2018). NATO Confirms Russian Naval Buildup Off Syria, Calls for Restraint. Retrived from: <https://www.haaretz.com/middle-east-news/nato-confirms-russian-naval-build-up-off-syria-as-tensions-rise-1.6429071>. Aug 29.
- Hincks, J. (2019). Israel and Iran Are Waging a Secret War in Syria. Here's How It Finally Went Public. Retrived from: <http://time.com/5513411/israel-iran-secret-war-syria>. January 25.
- Itani, F., & Rosenblatt, N. (2018). US Policy in Syria: A Seven-Year Reckoning. *Rafik Hariri Center For The Middle East*. P. 4
- Jawhar, J. (2016). Terrorists' Use of the Internet: The Case of Daesh. The Southeast Asia Regional Centre for Counter-Terrorism (SEARCCT). *Ministry Of Foreign Affairs*. No 516. Persiaran Tuanku Ja'afar, Bukit Persekutuan, 50480. Kuala Lumpur, Malaysia.
- Katz, M. N., (2010). Russia's Greater Middle East Policy: Securing Economic Interests, Courting Islam. *NIS Center, Vision*. n.49
- Kolobov, O., & Kornilov, A. (2011). Middle East Policy of Russia Under President Medvedev: Strategies, Institutes, Faces. *Bilge Strateji*.
- Kuchins, A. C., & Mammadov, F. (2013), Iran-Azerbaijan Relations and Strategic Competition in the Caucasus, *Center For Strategic And International Studies Russia And Eurasia Program*.
- Marcus J. (2015). "Russia S-400 Syria Missile Deployment Sends Robust Signal,". BBC. Retrived from: <http://www.bbc.co.uk/news/world-europe-34976537>, December 1.
- Macias A. (2018). At least 13 countries are interested in buying a Russian missile system instead of platforms made by US companies. *Despite The Threat Of Sanctions*. 14 Nov.
- Mansoori, H., & Javdani Moghaddam, M. (2018). Assessment of Russia's foreign policy towards takfiri movements in the Middle East (A case study of ISIL). *Journal Of History, Politics And Media*. First Year. No 3. Fall. 385-410. (in Persian)

- McCowan, J. H. (2017). War of Shadows: How Turkey's Conflict with the PKK Shapes the Syrian Civil War and Iraqi Kurdistan. *King's College London Strand London WC2R 2LS*. United Kingdom. 4-24.
- McDonnell, P. J.; Hennigan, W.J.; & Bulos, N. (30 September 2015). "Russia launches airstrikes in Syria amid U.S. concern about targets". *Los Angeles Times*.
- Moscow Time. (2010). Russia, israel agree to boost economic ties. *Moscow Time News*, 16/02/2010.
- Moshirzadeh, H. (2005). *Evolution in theories of international relations*. Tehran: Samt Publisher. (in Persian)
- Popescu, N., & Secrieru, S. (2018). RUSSIA'S RETURN TO THE MIDDLE EAST BUILDING SANDCASTLES?. *European Union Institute For Security Studies, Chaillot Papers*. N° 146. July. p. 47
- Rashidvash, V. (2012). History of Iran: The Circumstances of Signing Golestan and Turkmanchy Treaties and its Contents. *International's Review of Social Sciences and Humanities*. 3(1). 246-261.
- Rosa, P., Benati, S., Foradori, P., & Longoni, G. M. (2020). Neoclassical realism and Italy's military behaviour, 1946–2010: a combined dyad/nation analysis. *Political Research Exchange Journal*. 2(1).
- Ripsman, N. M., Taliaferro, J. W., & Lobell, S. E. (2016). *Neoclassical realist theory of international politics*. New York: Oxford University Press.
- Roberts, J. (2018). What Russia Wins From the Caspian Sea Deal (Op-ed), Retrived from: <https://www.themoscowtimes.com/2018/08/17/what-russia-wins-from-the-caspian-sea-deal-opinion-a62526>. *The Moscow Times*. Aug 17.
- Starr, B. (2016). "Estimate: More than 26,000 ISIS fighters killed by Coalition". *CNN*. 17 February.
- Sharafedin, B. (2015). Iranian commander Soleimani meets Putin in Moscow. Retrived from: <https://af.reuters.com/article/worldNews/idAFKBN0TZ1NY20151216>. December 16.
- Semenov, K. (2017). Russia seeks closer military-technical cooperation with UAE. Retrived from: <https://www.al-monitor.com/pulse/originals/2017/11/russia-eyes-closer-military-cooperation-uae.html>. *Almonitor*. November 28.
- Şafak, Y. (2018). Russia's Putin says Daesh is defeated in Syria. *Reuters Agency*. April 04.
- Slackman, M. (2011). Syrian Troops Open Fire on Protesters in Several Cities. <https://www.nytimes.com/2011/03/26/world/middleeast/26syria.html>. MARCH 25.
- The NATO StratCom COE. (2015). Daesh information campaign and its influence. ISBN 978-9934-8582-1-5
- Trenin, D. (2005). Russia's Policy in the Middle East: Prospects for Consensus and Conflict with the United States. *A Century Foundation Report, Washington, D.C.* p.5.

Titov, A. (2018). What's behind Russia's military build-up in Syria?.
<http://theconversation.com/whats-behind-russias-military-build-up-in-syria-47787>.
September 19

Zahrani, M., & Faraji Lohehsara, T. (2016). Geopolitics approach of Russia in syria Crisis.
Central Asia And Caucasus Quarterly. No. 94. Summer. 43-70. (in Persian).